

ما رابطه با آمریکا را می خواهیم چه کنیم | داریوش سجادی

دوشنبه 15 خرداد سال 68 یک روز بعد از درگذشت بنیان گذار جمهوری اسلامی ایران وقتی رئیس جمهور وقت در اجلاس مهم خبرگان رهبری مشغول خواندن وصیت نامه «امام خمینی» بود زمانی که پاراگراف آخر وصیت نامه را با این فراز به پایان بُرد که:

«اکنون که من حاضرم، بعض نسبت‌های بی‌واقعیت به من داده می‌شود و ممکن است پس از من در حجم آن افزوده شود؛ لهذا عرض می‌کنم آنچه به من نسبت داده شده یا می‌شود، مورد تصدیق نیست مگر آن که صدای من یا خط و امضای من باشد، با تصدیق کارشناسان؛ یا در سیمای جمهوری اسلامی چیزی گفته باشم ... من در طول مدت نهضت و انقلاب به واسطه‌ی سالوسی و اسلام‌نمایی بعضی افراد، ذکری از آنان کرده و تمجیدی نموده‌ام که بعد فهمیدم از دغلبازی آنان اغفال شده‌ام. آن تمجیدها در حالی بود که خود را به جمهوری اسلامی متعهد و وفادار می‌نمایاندند و نباید از آن مسائل سوء استفاده شود؛ و میزان در هر کس حال فعلی او است»

یحتمل با خوانش این بخش از وصیت نامه «یک نفر» در گوشه‌ای از آن نشست تاریخی خبرگان «سورپرایز» شده و با تحیر و خویشتن دارانه «ریشک و خشم» خود بابت هوشمندی امام را مهار و مدیریت می‌کرده! نامه‌ای که اکبر هاشمی رفسنجانی در مصاحبه خود با فصل نامه مطالعات بین المللی در بهار سال 91 خبر آن را برای نخستین بار در افکار عمومی مطرح کرد خواسته یا ناخواسته کلید واژه‌ای را در دسترس قرار داد تا از آن طریق کارشناسان بتوانند به فهم چیستی و چرائی بند آخر وصیت نامه امام خمینی نائل آیند. مطابق اظهارات آیت الله هاشمی رفسنجانی:

«من در سالهای آخر حیات امام(ره) نامه‌ای را خدمتشان نوشتم، تایپ هم نکردم. برای اینکه نمی‌خواستم کسی بخواند و خودم به امام دادم. در آن نامه هفت موضوع را با امام مطرح کردم و نوشتم که شما بهتر است در زمان حیات تان، اینها را حل کنید، در غیر این صورت ممکن است اینها به صورت معضلی سدّ راه آینده کشور شود. گردنه‌هایی است که اگر شما ما را عبور ندهید، بعد از شما عبور کردن مشکل خواهد بود... یکی از این مسایل رابطه با آمریکا بود. نوشتم بالاخره سبکی که الان داریم که با آمریکا نه حرف بزنیم و نه رابطه داشته باشیم،

قابل تداوم نیست. آمریکا قدرت برتر دنیا است. مگر اروپا با آمریکا، چین با آمریکا و روسیه با آمریکا چه تفاوتی از دید ما دارند؟ اگر با آنها مذاکره داریم، چرا با آمریکا مذاکره نکنیم؟ معنای مذاکره هم این نیست که تسلیم آنها شویم. مذاکره می‌کنیم اگر مواضع ما را پذیرفتند و یا ما مواضع آنها را پذیرفتیم، تمام است» هاشمی رفسنجانی همچنین با یادآوری حذف شعار «مرگ بر آمریکا» و اینکه امام با حذف این شعار موافق بودند و واکنش‌های تند بعدی و جوسازی‌های بعمل آمده در این خصوص تاکید می‌کند:

«تمام مطلب همان بود که نوشته بودم. الان هم دقیقاً یادم نیست که چه نوشتم. به هر حال موافق نبودیم که در مجامع عمومی مرگ کسی را شعار دهیم.»

اکبر هاشمی رفسنجانی با بیان این خاطره بنوعی نشان داد که هر اندازه از فراست و ذکاوت سیاسی برخوردار بوده متقابلاً رهبر و مقتدایش از ایشان در ترازوی بغایت هوشمندانه تر و مصلحت اندیش تر قرار داشته است.

به اعتبار صدق کلام هاشمی در بیان این خاطره و با استناد به تاریخ مفروض نشست هاشمی با امام (4 فروردین 66) اکنون بهتر می توان چرائی اصلاح وصیت نامه و چیستی بخش اصلاح شده در وصیت نامه را توسط ایشان گمانه زنی کرد!

قدر مسلم آن است که به همان اندازه که هاشمی رفسنجانی زیرکی کرده و به اقرار خود نامه «ضرورت حل رابطه با آمریکا» را از مجاری غیر رسمی و حتی بدون تایپ (بمنظور سکرت ماندن) نزد امام برده بیش از آن هم بنیان گذار جمهوری اسلامی برخوردار از تیزبینی و فراست بوده و احتمال آن را داده تا در آینده بتوانند از چنین نامه هائی غیر رسمی و نامستند و با اتکای بر گفتگوهای جلسات خصوصی، نقل قول سازی کنند. لذا هوشمندانه بمنظور ممانعت از امکان چنان «جعل احادیثی» ابتکار عمل را به دست گرفته و علی رغم آنکه وصیت نامه خود را در بیست و دوم تیر ماه سال 62 لاک و مهر شده تحویل مجلس خبرگان داده بودند اما بصورتی غیر مترقبه در نوزدهم آذر ماه سال 66 ضمن باز پس گیری وصیت نامه و حک و اصلاح آن مجدداً اما این بار در «دو نسخه لاک و مهر شده» یک نسخه را به مجلس خبرگان عودت داده و نسخه دوم را به آستان قدس رضوی ارائه کردند.

اقدام امام خمینی از آن جهت حائز اهمیت است که ایشان با تاکید بر پاراگراف انتهائی وصیت نامه مانع از تکرار تراژدی مسبوق به سابقه «جعل حدیث» در جهان اسلام بعد از فوت رسول الله و ائمه شدند.

علی ایحال در مقطع فعلی تلاش نافرجام اکبر هاشمی رفسنجانی بمنظور اثبات موافقت امام خمینی برای بهبود مناسبات با آمریکا موید آن

است که «معظم له» در تمامی سال های گذشته چه قبل و چه بعد از امام، اساساً دلبستگی و شناخت و تقیدی به غایات و خطوط فکری خمینی و انقلاب خمینی و اسلام خمینی نداشته و تنها با اتخاذ «تقیه» مترصد فرصتی مناسب بوده تا برخلاف صراحت خمینی مبنی بر آنکه: ما رابطه با آمریکا را می خواهیم چه کنیم؟! معظم له تردستانه آن جمله را این گونه دوباره خوانی و القاء کنند که: ما رابطه با آمریکا را می خواهیم ————— چه کنیم!؟

۱۳۹۲ مهر ۱۷، چهارشنبه

داریوش سجادی / آمریکا